

چکار کنیم مورد لطف خدا قرار بگیریم؟





سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

انسان های خدا پرست و موحد دوست دارند مورد توجه خداوند قرار بگیرند و خداوند که بر هر چیزی قادر است حاجت های آنها را برآورده کند.

برای رسیدن به این هدف بزرگ باید ببینیم خدا از چه چیزی خوشش می آید تا آنها را انجام دهیم و ببینیم خدا از چه چیزی بدش می آید تا آنها را انجام ندهیم و از آنها دوری کنیم.

در قرآن کریم به تعدادی از کارهای محبوب خدا و یا مبعوض خداست اشاره شده است و در روایات پیامبر خدا(ص) و اهل بیت علیهم السلام هم به تعدادی از آنها اشاره شده است.

ما در اینجا چندتای آنها را می آوریم.

امید است خدا از ما راضی باشد که در اینصورت به پیروزی و رستگاری عظیم دست پیدا کرده ایم.

چکار کنیم مورد لطف خدا قرار بگیریم؟

اولین کاری که باید بکنیم اینه که تصمیم بگیریم **هیچوقت گناه نکنیم**.

چون گناه باعث میشود از چشم خدا بیافتیم و دیگر به ما لطف نکند

حضرت یحیی(ع)دید می خواهند مردی را سنگار کنند چون زنای محصنه کرده بود.وقتی مرد را داخل چاله تا کمر گذاشتند. یحیی(ع) رفت و مقابلش زانو زد و گفت مرا موعظه کن!

اون مرد گفت ای یحیی!هیچوقت گناه نکن چون اونوقت از چشم خدا می افتی!

کسی که گناه میکنه داره با خدا مخالفت می کنه.بعد چه جور انتظار داره خدا کمکش کنه. بش لطف کنه

شخصی می گفت دعا کن بیماریم خوب بشه.پرسیدم نماز میخونی؟گفت ماه رمضان میخونم!

گفتم باید همیشه بخونی تا خدا کمکت کنه

اخوند معصومعلی همدانی گفت....

اخوند معصومعلی همدانی گفت. بچه ای از پشت بام افتاد . قبل اینکه به زمین برسد شخصی با لاس فقیران اشاره کرد بچه بین زمین و آسمان ایستاد.ان شخص بچه را گرفت و تحویل پدر ومادرش داد.

من از او پرسیدم از کجا به این مقام رسیدی؟اون شخص گفت من از اول جوانی با خدا عهد کردم هیچوقت گناه نکنم.و تا الان گناه نکردم.

حدیث خیلی مهم درباره آثار گناه

آثار گناه شیعه در زندگی شخصیش [۲]

وفی روایه المفضل عن الإمام الصادق علیه السلام قال: يَا مُفَضَّلُ، إِيَّاكَ وَالذُّنُوبَ، وَحَذَرَهَا شِيعَتَنَا، فَوَاللَّهِ مَا هِيَ إِلَّا أَحَدٌ أَسْرَعَ مِنْهَا إِلَيْكُمْ، إِنَّ أَحَدَكُمْ لَتُصِيبُهُ الْمَعْرَةُ مِنَ السُّلْطَانِ وَمَا ذَاكَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ، وَإِنَّهُ لَيُصِيبُهُ السُّقْمُ وَمَا ذَاكَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ، وَإِنَّهُ لَيَحْبَسُ عَنْهُ الرِّزْقُ وَمَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ، وَإِنَّهُ لَيَشْدَدُ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَمَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ، حَتَّى يَقُولَ مَنْ حَضَرَهُ، لَقَدْ غُمَّ بِالْمَوْتِ، فَلَمَّا رَأَى مَا قَدْ دَخَلَنِي، قَالَ: أَتَدْرِي لِمَ ذَاكَ يَا مُفَضَّلُ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَا أَذْرِي جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: ذَاكَ وَاللَّهِ إِنَّكُمْ لَا تُؤَاخِذُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ، وَعُجِّلَتْ لَكُمْ فِي الدُّنْيَا

ترجمه حدیث امام صادق علیه السلام به مفضل:

ای مفضل! پرهیز از گناهان و شیعیان ما را نیز از آن بر حذر دار. به خدا سوگند که (اثر) گناهان [۲] نسبت به هیچ کسی، سریعتر از آنها نسبت به شما نیست، هر آینه به یکی از شما اذیتی از سلطان می‌رسد، این نیست مگر بواسطه گناهانش. به یقین به او بیماری می‌رسد و این نیست مگر بواسطه گناهانش، و روزی از او گرفته می‌شود و این نیست مگر به خاطر گناهانش، و در دم مرگ بر او

سخت گرفته می شود و این نیست مگر به جهت گناهانش ... تا جایی که کسی که در نزدش حاضر است می گوید: همانا مرگ او را فروپوشانده و مغموم ساخته است. زمانی که حضرت دید آنچه بر من (از پریشانی) وارد شده است فرمود: «آیا می دانی اینها برای چه می باشد؟» گفتم: نه. فرمود: «به خدا». سوگند شما به گناهان در آخرت مؤاخذه نخواهید شد چون در دنیا مؤاخذه آنها را چشیده اید

2- با همه مهربان باشیم.

خداوند افراد مهربان را دوست دارد و حاجت های آنها را برآورده می کند. و در قرآن فرموده هم را به مهربانی سفارش کنید. و تواصوا بالمرحمة.... مخصوصاً مهربانی با پدر و مادر. مهربانی با همسر و فرزندان. مهربانی با سالخوردهگان. مهربانی با کودکان یتیم. مهربانی با فقرا و مساکین. حتی مهربانی با حیوانات..

نامهربانی با والدین باعث میشود خدا به انسان لطف نکند.

نقل می کنند که:

ان رسول الله (ص) حضر شاباً عند

.وفاته

فقال له: قل: لا إله إلا الله فقال: اعتقل لسانه مراراً، فقال لامرأة عند

.رأسه: هل لهذا أم؟.. قالت: نعم أنا أمه

.فقال: أسأخطة أنت عليه؟.. قالت: نعم، ما كلمته منذ ست حجج

.قال لها: إرض عنه. قالت: رضى الله عنه يا رسول الله برضاك عنه

فقال له رسول الله (ص): قل: لا إله إلا الله، فقالها.. فقال له النبي: ما

..تری؟

قال : أرى رجلاً أسود اللون قبيح المنظر، وسخ الثياب، نتن الرائحة، قد وليني الساعة وأخذ بكظمي،
(فقال له النبي (ص

قل: يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير، أقبل مني اليسير واعف عن الكثير، انك

انت الغفور الرحيم!.. فقالها الشاب فقال له: انظر ما ترى؟.. قال: أرى رجلاً

أبيض اللون، حسن الوجه، طيب الريح، حسن الثياب، قد وليني وأرى الأسود قد تولى

عني.. فقال له : أعد فأعاد فقال له : ما ترى؟.. قال : لست أرى الأسود وأرى

الأبيض قد وليني، ثم طفى (مات) على تلك الحال

رسول خدا صلى الله عليه و آله بر بالین جوانی که در حال احتضار بود حاضر گردید. آن حضرت فرمود بگو لا اله الا الله...لكن جوان نتوانست بگوید، رسول خدا(ص) پرسید: آیا این جوان مادر دارد؟
:زنی که نزد او بود عرض کرد

بلی من مادر او هستم. فرمود: آیا بر او غضبناکی؟ گفت: آری شش سال است با او حرف نزده ام. پس آن حضرت خواهش فرمود از او راضی شود. مادر بخاطر آن حضرت از جوان در گذشت. زبان آن جوان به کلمه توحید باز شد. حضرت به او فرمود: چه می بینی؟ گفت مردی سیاه و زشت روی بدبوی، مرا رها نمی کند. حضرت جمله ای یادش دادند و او خواند و عرض کرد: می بینم مردی سفید رنگ خوشروی، خوش بوی و خوش منظر، رو به من آورد و هیولای مهیب اولی از من دور شد. فرمود: همان جمله را تکرار کن. پس از آن گفت

آن هیكل موخّشه به كَلّی محو گردید. پس آن حضرت شاد شد و فرمود: خدا او را آمرزید. آنگاه (جوان از دنیا رفت.^۲

اگر مومنی را ناراحت کنیم خدا از ما رویگردان میشود.

داستان علی بن یقظین و ابراهیم ساربان

وقتی ابراهیم جمّال که یکی از شیعیان بود، می‌خواست خدمت علی بن یقظین که از اصحاب بزرگ امام موسی کاظم بود، برسد، از باب اینکه ابراهیم ساربان بود و علی بن یقظین وزیر هارون الرشید و از نظر ظاهر، شأن ابراهیم نبود که در مجلس وزیر مملکت وارد شود، او را راه نداد

اتفاقاً در همان سال علی بن یقظین به حج مشرف شد، خواست در شهر مدینه خدمت حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) برسد، حضرت او را نپذیرفت؛ روز بعد آن حضرت را در بیرون خانه ملاقات کرد، عرضه داشت

ای سید من، تقصیر من چه بوده که مرا نپذیرفتید؟ فرمود: به خاطر اینکه برادرت ابراهیم جمّال را راه ندادی و خدا امتناع فرموده از اینکه سعی تو را قبول کند، مگر بعد از آنکه ابراهیم تو را ببخشد.

علی بن یقظین گفت: گفتم: ای سید و مولای من در این وقت ابراهیم را کجا ملاقات کنم؟ من در مدینه و او در کوفه است، فرمود: هرگاه شب برسد تنها به بقیع برو، بی‌آنکه از اصحاب و غلامان تو کسی خبردار شود، در آنجا شتری زین کرده خواهی دید، آن شتر را سوار می‌شوی و به کوفه می‌روی.

شب به بقیع رفت، بر آن شتر سوار شد، به اندک زمانی به خانه ابراهیم جمّال رسید، شتر را خوابانید و در زد، ابراهیم گفت کیستی؟ گفت: علی بن یقظینم، ابراهیم گفت: علی بن

(امالی شیخ طوسی: 65/ح 4^۲)

یقطین بر در خانه من چه می‌کند؟! فرمود: بیا بیرون که کارم بس بزرگ است و او را

سوگند داد که اذن ورود دهد، چون داخل خانه ابراهیم شد، گفت

ای ابراهیم! آقا و مولا، از اینکه عمل مرا قبول کند امتناع فرموده، مگر آنکه تو از من
غَفَرَ اللَّهُ لَكَ؛ خدا تو را بیامرزد»، پس علی بن یقطین صورت خود «: بگذری! ابراهیم گفت
را بر خاک گذاشت و ابراهیم را قسم داد که پای روی صورت من بگذار و صورتم را زیر
پایت بمال، ابراهیم خودداری کرد، علی بن یقطین او را سوگند داد که چنین کند. ابراهیم
پا به صورت علی بن یقطین گذاشت و روی او را زیر پای خود مالید و علی بن یقطین
«اللَّهُمَّ اشْهَدْ؛ خدایا گواه باش» می‌گفت

سپس بیرون آمد و سوار بر آن مرکب شد و همان شب به مدینه بازگشت و شتر را بر در
خانه حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) خوابانید، آنگاه حضرت او را اذن داد که بر آن
بزرگوار وارد شود و حضرت کار او را پذیرفت

**در این داستان عدم مهربانی علی بن یقطین با یک مومن باعث شد خداوند ناراحت
شده و حج او را قبول نکند تا زمانی که از دل آن مومن دراورد و او را راضی نمود.**

داستان سید حسین و احمد بن اسحاق قمی نماینده امام حسن عسکری در قم....

در زمان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، اتفاق عجیبی افتاد و
آن این بود که یکی از شیعیان سرشناس ایشان، به نام سید ابوالحسن
بن حسن بن جعفر، شرابی نوشید. دوباره هم این کار را تکرار کرد. کار
به جایی رسید که گاه او را، کف به لب آورده، گوشه‌ی کوی و برزن‌ها
می‌دیدند. خبر کم‌کم داشت بین مردم، سر باز می‌کرد

سید ابوالحسن، آدم کمی نبود. از مشایخ «قم» بود. همه او را
می‌شناختند و همین باعث می‌شد که لغزش سنگین او، دهان به دهان

بپیچد. او، در عین وابستگی به شراب، روز به روز فقیرتر هم می‌شد تا این که روزی از سر عسرت، به سمت خانه وکیل امام عسکری علیه السلام رفت و دقّ الباب کرد.

وکیل امام عسکری علیه السلام، جناب احمد بن اسحاق، که خبرها به او رسیده بود؛ وقتی فهمید سید پشت در است، راهش نداد؛ و سید، غمین و افسرده، راه برگشت در پیش گرفت.

مدتی گذشت. وکیل حضرت، طبق عادت هر ساله، بعد از ایام حج، راه سامرا را در پیش گرفت تا خدمت امام علیه السلام، برسد و نامه‌ها و وجوهات را به خدمت حضرتش تسلیم کند.

بله، احمد بن اسحاق خدمت حضرت رسید و در کمال ناباوری، حضرت هم او را راه نداد.

احمد بن اسحاق، با تمام جلالت شأنش پشت در خانه ی حضرت نشست و آن قدر حضرت را التماس کرد تا این که از طرف حضرت پیغام «!آمد:» داخل بیا

.احمد بن اسحاق، اشک چشمانش را پاک کرد و داخل دوید.

- یابن رسول الله! من از عاشقان کویت هستم. آیا از شیفته‌ات، خطائی سر زده است که این خسته‌ی راه را، این‌گونه عقوبت می‌کنی؟

- بله یا احمد. یادت هست آن روز، آن شیعه‌ی مسکین را در خانه ات راه ندادی؟

- یابن رسول الله! من جانم را فدای اولاد رسول می‌کنم. ولی به خدا قسم، سید ابوالحسن را به خاطر شرب خمر، از در خانه‌ی خود راندم.

!- او فرزند رسول خدا بود. چرا حرمت نگاه نداشتی؟

- یابن رسول الله! به خدا، خبر کف‌های دهانش همه جا رسید! مگر جدّتان رسول الله صلی الله علیه و آله نفرمودند: «شفاعت من، به شارب خمر نمی‌رسد.» مگر جدّتان امام صادق علیه‌السلام، نفرمود: «شراب ام‌الخبائث است. با شراب‌خوار دوستی نکنید، به او زن ندهید، او را عیادت... نکنید، تشییع نکنید»

- پسر اسحاق! و الله همه این روایات، از اجداد من رسیده است! اما چه کنم که سید ابوالحسن، به ما منتسب است. چاره‌ای نیست. او «شیعه‌ی ماست. تو حق نداشتی او را از خود برانی

من مدت‌ها به این روایت فکر می‌کردم... درست است که آن سید خاطی، فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله بود ولی «شیعه» هم بود. و به نظر من «شیعه بودن» او از «سید بودن»ش مهم‌تر بود. زیرا بنی عباس زمان امام عسکری علیه‌السلام هم سید بودند ولی امام، هرگز چنین ارزشی برای آنها قائل نبود.

در واقع، شیعه بودن او در کنار انتسابش به رسول خدا صلی الله علیه و آله، باعث شد حضرت از گناه سنگین «شرب خمر» او صرف نظر کند! برای این‌که او بماند. برای این‌که او عوض شود و برای این‌که او برگردد. اگر امیدی به بازگشت باشد، باید با گناه‌کار ملاطفت کرد. باید! و الاّ پشت در خانه‌ی امام می‌مانی

!آه که چقدر وظیفه سنگین است

خلاصه، وکیل امام به قم بازگشت. همه به دیدن او آمدند. در میان مردم، سید ابوالحسن هم با سری شرمسار و اندوهگین و شاید از شدّت نیاز،

به خوان کرم احمد بن اسحاق وارد شد. جناب احمد هم تا او را دید،
!برخواست و به استقبالش دوید و او را در صدر مجلس نشاند

سید در عین ناباوری، علت را پرسید و آن قدر اصرار کرد تا وکیل امام،
ماجرا را گفت. شنیدن ماجرا همانا و توبه و اشک و بازگشت سید
ابوالحسن همان

به منزل برگشت و تمام جامها و قدحها را شکست و بعد از آن، همیشه
او را گوشه‌ی مسجدی، معتکف می‌دیدند. بعد از وفات هم، افتخار
همسایگی بانوی دو عالم، حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام نصیبش
شد

نقل است:

مغازه داری از کم شدن مشتری هایش نزد شیخ عارفی شکوه می‌کرد. شیخ صاحب کرامت به او
گفت خودت مقصری. چند روز قبل سیدی که نسیه برده بود را از مغازه ات بیرون کردی و این کار
برایت مشکل ایجاد کرده. او هم سراغ سید رفت از او عذرخواهی کرد.

**در این داستان متوجه شدیم عدم مهرانی با سیدی باعث کم شدن
مشتری شد.**

پیامبر با کسی که در مسجد ادرار کرد چه برخوردی نمود؟

انس بن مالک می‌گوید: ما در مسجد در محضر پیامبر صلی الله علیه و سلم نشسته بودیم که ناگهان
صحرائشینی آمد و در مسجد رسول الله شروع به ادرار کرد! اصحاب پیامبر خواستند او را از ادرار باز
دارند و او را نکوهش کنند، اما رسول خدا فرمود: «ادرارش را قطع نکنید و او را به حال خود رها
کنید.» مردم او را رها کردند تا این که از ادرار فارغ شد. آن گاه پیامبر اکرم او را فراخواند و فرمود:

«همانا این مساجد برای دفع ادرار و مدفوع بنا نشده‌اند، بلکه برای ذکر و یاد الله و نماز و قرائت قرآن بنا شده‌اند.» سپس آن حضرت به مردی دستور داد تا یک دلو آب بیاورد و بر جایی که آن مرد ادرار کرده بود، بریزد.^۳

نتیجه احترام به مومن

سلمان فارسی نقل می کند: روزی بر پیامبر (ص) وارد شدم، در حالی که بر متکایی تکیه زده بود. وقتی نشستم، آن حضرت متکایش را به من داد و فرمود: ای سلمان، هیچ مسلمانی نیست که بر برادر مسلمانش وارد شود و برای احترام متکایی برایش بیاورد، جز اینکه خدا از گناهانش می گذرد.

وقتی ایه الله حسن زاده سر مساله ای عصبانی شد و یه لحظه با خانواده اش دعوا کرد....

آیه الله حسن زاده آملی فرمود: من به آقای سید محمد حسن آقای الهی برادر بزرگتر مرحوم علامه طباطبائی که در عرفان و سیر و سلوک از شاگردان مرحوم سید علی قاضی بودم مکرر عرض می کردم: وقتی خدمت آقا (علامه قاضی) می رسید. از جانب من از ایشان خواهش کنید که مرا هم در تشرّف به خدمت حضرت بقیه الله (عج) شریک خود نمایند و برای من نیز اجازه ملاقات بگیرید (چون می دانستم این دو بزرگوار به این سعادت عظیم می رسند

روزی در شهر آمل بعد از ظهر خواستم استراحتی داشته باشم، بچه ها داد و فریاد کردند و مانع استراحتم شدند. من عصبانی شده، با آنها تندی نمودم و پرخاش کردم ولی بعد، از آن حرکات خودم

^۳ (کتاب صحیح بخاری)

پشیمان شدم از این که بچه ها را ناراحت کردم وجدانم ناراحت بود، عصر رفتم بازار و مقدار شیرینی و میوه خریده به منزل آوردم که شاید بدینوسیله دل بچه ها را به دست آورم، با این حال وجدانم آرام نمی گرفت آشفته خاطر بودم

بالاخره تصمیم گرفتم سفری به شهر تبریز کرده با مرحوم سید محمد حسن الهی ملاقات کنم، رفتم تبریز، وقتی به خدمت ایشان رسیدم پیش از این که علت مسافرتم را بگویم، گفتم: عرض مرا به خدمت استاد (سید علی قاضی) رساندی؟

فرمود: من راجع به این موضوع نامه ای به شما نوشتم و چون آدرس شما را نداشتم به خدمت آقای اخوی (سید محمد حسین طباطبائی) فرستادم که به شما برساند، و در آن نامه یادآور شدم که وقتی پیام شما را به آقا عرض کردم آقا تأملی کرده سپس با ناراحتی فرمودند

**ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن اخلاقی که نسبت به عائله و «
کودکان انجام و با آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می شود به این رتبه و
مقام رسید»^۴**

در این داستان متوجه می شویم نامهربانی با خانواده باعث ناراحتی امام زمان علیه السلام شده و مانع تشرف میشود.

(داستانهایی از اخلاق اسلامی^۴)

کتک زدن فرزند مخصوصا اگر از حد بگذرد باعث خشم خدا و نزول بلا میشود:

نقل می کنند:

خانمی بچه خود را بخاطر نجس کردن فرش، آنقدر زده بود که نزدیک بود نفس بچه قطع شود! بعد از یکساعت خانم مذکور تب کرد. او را به بیمارستان بردند و پول زیادی خرج کردند ولی مؤثر واقع نشد. دوباره او را دکتر بردند بازهم تاثیری نکرد. او را نزد شیخ رحبعلی خیاط بردند. شیخ گفت که استغفار کند و بچه را از خود راضی نماید و چیزی برایش بخرد. مادر این کار را کرد و تب قطع شد

نامهربانی با فامیل نیز باعث خشم خدا شده و برای انسان گرفتاری هایی ایجاد می کند.

گویند:

ماموری در زمان طاغوت در قسمت اداری سازمان مهمی کار می کرد. او بخاطر اینکه پرونده ای را گم کرده بود، نزدیک بود که از طرف روسایش بلایی سرش بیاید. توفیقی پیدا کرد و نزد شیخ رحبعلی خیاط رفته مشکل خود را به او گفت. شیخ گفت که بیش از یکسال است به خواهرت که شوهرش مرده است سرزدی! علت این گرفتاری تو بخاطر این است! او هم مقداری میوه و پول تهیه کرد و به خانه خواهرش رفت و او را خوشحال کرد. روز بعد وقتی به محل پرونده ها مراجعه کرد پرونده مذکور را زود پیدا نمود.

در این داستان متوجه می شویم اگر قطع رحم کردیم و به وظیفه خود عمل ننمودیم منتظر بلایی باشیم.

خانمی می گفت خانه ما با خانه داداشم دیوار به دیواره. ولی سالهاست این داداش ما به ما سرزده است!

خانم دیگری می گفت سه سال است برادرم به من و مادرم سر نزده. حتی او را تو خیابان دیدم. رویش را برگرداند و رفت!

نامهربانی با زیر دستان نیز باعث خشم خدا شده و برای انسان گرفتاری هایی ایجاد می کند.

گویند:

رئیس اداره ای مرض خارش پوست گرفته بود و هر چه دوا و درمان کرد خوب نشد!

به شیخ رجبعلی مراجعه کرد. شیخ گفت کارمند علویه اداره را بخاطر چند اشتباه در نامه تایی طوری مواخذه کردی که به گریه افتاد! برو او را راضی کن تا خوب بشی! او هم همین کار را کرد و بیماریش خوب شد!

پیامبر گرامی (ص) می فرماید: هر که مومنی را غمگین کند، آن گاه دنیا را به او بدهد، این بخشش .. کفاه عمل او نخواهد بود و برای او پاداشی به دنبال نخواهد داشت

امام صادق (ع) می فرماید: اگر شما دلی را شکستید نمی توانید جبران آن دل شکستگی را بکنید اگر .. همه ی دنیا را به او بدهید

امام رضا (ع) از پیامبر (ص) نقل می کنند: آن گاه که بدون حق مومنی را برنجاند ، مانند این است که خانه کعبه و بیت المعمور را ده بار ویران کرده باشد و مثل این است که هزار ملک از ملائکه مقرب .. الهی را به قتل رسانده باشد

امام علی علیه السلام می فرمایند: به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با همه چیزهای که در آن هست به من بدهند تا پوست جوی را به ناحق از دهان مورچه ای بگیرم این کار را نخواهم کرد.

برای جلب رضایت الهی باید با همه حتی با حیوانات مهربان باشیم

در این باره روایتی است:

روزی پیامبر اکرم (ص) برای عده ای از یاران خود که به حضورشان مشرف شده بودند، این داستان را تعریف کردند: شخصی در صحرای سوزان دچار تشنگی شدیدی شد. برای رفع عطش، به درون چاهی رفت و با استفاده از آب چاه خود را سیراب نمود، در همان وقت دید سگی از شدت تشنگی بی تاب و توان شده و پوزه به خاک می مالد، برای آن مرد این اندیشه پیش آمد که حیوان بیچاره مثل او دارای احساس تشنگی است و به خاطر نیافتن آب در رنج و عذاب افتاده است. احساس ترحم و مهربانی در وجودش به جوش آمده، لذا تصمیم گرفت حیوان تشنه را با مقداری آب سیراب سازد. در پی این تصمیم دوباره آن شخص داخل چاه رفت و کفش هایش را پر از آب کرد و پیش روی حیوانی که از سوز تشنگی جانش به لب رسیده بود گذاشت، خدای بزرگ به پاداش همین کردار نیک، آن مرد را مورد عفو و بخشش و عنایت خود قرار داد. یاران آن حضرت عرض کردند، آیا ما هم می توانیم در مورد حیوانات نیز از خداوند کسب پاداش کنیم؟ حضرت فرمودند: آری و به خاطر ..هر حیوان زنده ای که موفق به انجام خدمتی شوید، نزد خداوند مأجور خواهید بود.

اما نامهربانی با حیوانات باعث میشود خدا به انسان لطف نکند و حتی گاهی بلا بر انسان نازل شود.

در این رابطه نقل است:

بچه ای تصادف کرد و او را بیمارستان بردند ولی درمان نشد و دکترها از زنده ماندنش قطع امید کردند. پدر بچه نزد شیخ رجبعلی خیاط رفت و خواست پسرش را نجات دهد. شیخ گفت تو گوساله ای را جلو چشم گاو مادر ذبح کردی و دل مادرش شکست. بچه ات حتما می میرد! و بچه مُرد!

گاهی انسان می بیند ماشین های حمل گوسفند بطور بی رحمانه ای گوسفندان را روی هم انباشته اند و دارند به شهرهای دور حمل می کنند.

یا بعضی مرغداری ها چهار پنج مرغ را در یک قفس کوچک گذاشته اند که باعث اذیت آنهاست ولی صاحب مرغداری برای اینکه پول بیشتری هزینه نکند جای آنها را بزرگتر قرار نمی دهد...

این اذیت به حیوانات باعث میشود انسان مورد لطف الهی قرار نگیرد.

3- اهل عفو و گذشت باشیم

خداوند درباره عفو فرموده

وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ»

و باید عفو کنند و درگذرند! آیا دوست نمی دارید که خداوند شما را ببخشد؟

یعنی اگر می خواهید مورد لطف خدا قرار بگیرید از خطاهای یکدیگر بگذرید

پیامبر اکرم «ص» بالأخره مکه را بدون جنگ و خونریزی فتح کردند. سپس در اولین اقدام، به کمک امیرالمؤمنین «ع»، کعبه را از وجود بتها پاک کرده، همه بتها را شکستند. پس از آن از مسجدالحرام بیرون آمدند، حلقه در کعبه را گرفتند و بالذات و شادمانی از پیروزی، خطبه وحدت خواندند و فریاد «لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده» سر دادند

در آن هنگام، مشرکین که آن همه آزار و اذیت خود را به یاد داشتند، منتظر بودند پیامبر گرامی دستور جهاد عمومی صادر سازند و تصوّر می کردند احدی از آنان زنده نخواهند ماند. اما آن حضرت از خود مشرکین پرسیدند: من با شما چه کنم؟ آنها گفتند: هر عقوبتی را برای ما در نظر بگیری، سزاوار ماست. اگر ما را بکشی یا اسیر کنی و اموالمان را مصادره کنی، حق با توست؛ زیرا ما در این سالیان هر چه در توان داشتیم، در ستم به شما کوتاهی نکردیم

پیامبر اکرم «ص» لبخندی زدند و فرمودند: من شیوه برادرم یوسف نسبت به برادرانش را پیش می
[«گیرم و به شما می گویم: «لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ»]... اذْهَبُوا أَنْتُمْ الطُّلُقَاءُ

اهانت به حضرت امام

یک روز وقتی که شهید حجت الاسلام والمسلمین سلیمی از بیت امام برای تقویت روحیه رزمندگان
به جبهه های جنوب آمده بود صحبت از خصوصیات امام به میان آمد. ایشان گفت: چند روز پیش در
محضر امام از جسارت ها و اهانت های شیخ علی تهرانی در رادیو بغداد مطالبی به عرض ایشان
!رساندیم که این فرد خیلی به شما جسارت می کند

صحبت ما که تمام شد امام رو به ما کرد و گفت: اتفاقاً چند روز قبل من بیاد او بودم و برایش دعا
می کردم.

حکایت:

امام صادق علیه السلام توهین را با بخشش جواب میدهد

امام صادق علیه السلام در مسجد الحرام نشسته بود. که یک وارد مسجد شد و پیراهن ایشان را گرفت
و گفت: یک صد اشرفی مرا که به تو امانت داده بودم بده. امام فرمود: شاید اشتباه میکنی. مرد عرب
فریاد راه انداخت. حضرت فرمود: بسیار خب! برخیز تا به تو بدهم و با کمال خونسردی با او سخن
میگفت تا به منزل حضرت رسیدند، سپس صد اشرفی به او داد. فردای آن روز، آن مرد، بدهکارش را
پیدا کرد و فهمید که اشتباه کرده است. به مسجد آمد و امام را پیدا کرد، آن گاه خیلی عذرخواست و

گفت: بیاید این یک صد اشرفی را بگیرید. امام فرمود: من همان دیروز تو را عفو کردم و کینه ای از تو در دل ندارم. پول را هم پس نمی گیرم؛ چون برای خدا دادم. هر معامله ای که برای خدا شد قابل فسخ نیست

کینه ای نباشیم

یکی از ویژگی های مردان و زنان خداجو، پرهیز از کینه توزی است. آنان آرزومندند که دل های شان همچون دل های بهشتیان، تهی از کینه و دشمنی مؤمنان شود. در کریمه قرآنی آمده: «وَلَا تَجْعَلْ»
«فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا؛ در دل هایمان از آنان که ایمان آورده اند، کینه ای قرار مده

حضرت علی علیه السلام در سفارش، برای کینه زدایی از دل ها می فرماید: «طَهِّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنَ الْحِقْدِ»
«فَإِنَّهُ دَاءٌ مَرْمِي؛ دل ها را از کینه پاک سازید، زیرا کینه توزی دردی مهلک است

::امام صادق علیه السلام فرمود

«الْمُؤْمِنُ يُحَقِّدُ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ فَإِذَا قَامَ ذَهَبَ عَنْهُ الْحِقْدُ

مؤمن وقتی در مجلس است [ممکن است] دچار کینه شود، ولی آن گاه که از مجلس خارج شد، کینه هم از دل او می رود

متأسفانه برخی از انسانها کینه ای هستند و اگر سر موضوعی کینه ادم رو در دل بگیرند دیگه به این زودیاها دست از دشمنی بر نمی دارند و رفیق نمی شوند. مخصوصا اگر همسر انسان یا فامیل باشه یا ...همسایه ادم باشه! گاهی کار به قتل و جنایت می کشه. گاهی طلاق و خودکشی و

اگر اخبار مربوط به حوادثی که بر اثر کینه اتفاق می افتد رو مرور کنیم می بینیم بسیاری از جنایات و اتفاقات بد بخاطر کینه است.

چندی پیش زن جوانی با مراجعه به دادگاه خانواده درخواست طلاق داد و در خصوص علت آن به قاضی گفت: آقای قاضی شوهرم خیلی آدم کینه‌ای است و هنوز هم بعد از گذشت دو سال نتوانسته دعوایی که روز عروسی با هم داشتیم را فراموش کند.

مرنج و مرنجان

آقای آخوند ملاعلی معصومی از آقای نخودکی خواست که او را موعظه کند. آقای نخودکی گفت:

. مرنج و مرنجان

آقای آخوند گفت: مرنجان را فهمیدم؛ یعنی کسی را #ذیت نکنم. ولی مرنج یعنی چی؟ چطور می توانم ناراحت نشوم؟ مثلاً وقتی بفهمم کسی مرا غیبت کرده یا فحش داده چطور می توانم نرنجم؟! * : * آقای نخودکی گفت

علاج آن است که خودت را #کسی ندانی. اگر خودت را کسی ندانستی دیگر نمی رنجی

...من چیزی بادم نیست

آیت الله انصاری همدانی : افرادی که به ایشان توهین کرده بودند و بعدها خدمتشان می رسیدند [۲]
برای عذرخواهی ، ایشان می فرمودند برای چه عذرخواهی می کنید؟! من چیزی به خاطر ندارم

برخی عفو‌ها مانند عفو همسر مربوط به داخل خانه است. گاهی حتی همسر از کار خود اظهار پشیمانی هم نمی‌کند، اما در اینجا ما باید عفو کنیم. بالاخره در زندگی مشکلات و اختلاف‌هایی ایجاد می‌شود. زندگی‌ها باید «... جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» [سوره روم] باشد. مودت دوست داشتن و رحمت بخشیدن است. ما باید همسر خود را دوست داشته باشیم و در مواقعی که اشتباه می‌کند باید او را ببخشیم. این کار ساده نیست و وقتی انسان در موقعیت قرار می‌گیرد باید تلاش کند، اما اگر ۴۰ روز این کار را انجام دهد، کم‌کم این رفتار ملکه ذهن او می‌شود. در مقابل اگر عفو و گذشت نباشد و در مشاجره‌ها طرفین دائماً با یکدیگر جدل کنند، چه فایده‌ای دارد و فقط زندگی خود را خراب کرده ایم.

امروزه متأسفانه خانواده‌ها شیشه‌ای شده‌اند و زود می‌شکنند. در بعضی مواقع مشاهده می‌شود که خانمی در همان هفته اول زندگی ساک خود را بسته و به خانه پدر می‌رود. وقتی می‌پرسند چه شده است؟ می‌گویند: من دیگر نمی‌توانم با این دایناسور زندگی کنم! او از شمر بدتر است. آسیه اینقدر در خانه فرعون اذیت شد، شوهر من از فرعون بدتر است. به من می‌گویند بی‌شعور. درست است آن مرد اشتباه کرد که چنین حرفی زد، اما شما هم نباید اینقدر شکستنی باشید. بعضی وقت‌ها به شوخی می‌گویند: او که نگفت بی‌شعور! گفت "برو ظرف‌ها رو بشور". یا می‌گویند همسر من گفت: "کوفت". به شوخی می‌گویند: این حرف را نزد، این کلمه مخفف "کل وجودم فدای تو" بود. نباید انسان اینقدر شکستنی باشند و با یک مشکل کوچک دم از طلاق بزنند. بعضی می‌گویند: خدا طلاق را حلال کرده ولی شما طلبه‌ها حلال نمی‌کنید. بحث حلال و حرام نیست، در اینجا باید بحث زندگی را مطرح کنیم.

مردان نیز در زندگی باید روحیه خوبی داشته باشند. وقتی مرد‌ها وارد خانه می شوند همسر و فرزندان باید از وجود او لذت ببرند و خوشحال بشوند. خانم همسایه شهید باکری به همسر این شهید بزرگوار می‌گوید: "من دوست دارم یکبار که حاج مهدی آقا به خانه می‌آید، در خانه شما باز باشد تا ببینم به شما چه می‌گوید که تا نیم ساعت بعد در حال خندیدن هستید". مرد باید در خانه اینگونه رفتار کند تا همه از وجود او خوشحال باشند

4- گرفتاری ادمای گرفتار را باندازه توانمان برطرف کنیم

امام صادق «سلام الله علیه» فرمودند: هر کس خانه خدا را طواف کند، خداوند عزوجلّ شش هزار حسنه برای او می نویسد و شش هزار گناه از او می آمرزد و شش هزار درجه به وی عطا می فرماید و شش هزار حاجت از او برآورده می سازد. سپس فرمودند: «گره گشایی از کار یک مؤمن، ده برابر این»! طواف فضیلت دارد

برآوردن حاجت مؤمن برتر است از هزار حج مقبول با همه آدابش.

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: کسی که در راه برآوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، گویی نه هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده داری کردن، خدا را عبادت کرده باشد

امام صادق (ع) فرمود: کسیکه یک خاشاکی را از صورت برادرش بزداید خداوند ده حسنه برای او .. می نویسد و کسیکه بر روی برادرش تبسم کند برای او یک حسنه است

محمد بن جمهور گوید: نجاشی حاکم اهواز بود یکی از کارمندانش به امام ششم (ع) عرض کرد در دفتر نجاشی خراجی به عهده من است و او مؤمن و مطیع شما است اگر صلاح بدانید برایم به او توصیه ای بنویسید: امام ششم (ع) نوشت

((بسم الله الرحمن الرحيم سُرَّ اخاك يسرک الله))

برادرت را مسرور نما تا خدا تو را مسرور نماید

پس نامه را بینزد نجاشی آورد در زمانیکه در جلسه عمومی بودند و چون مجلس خلوت شد نامه را به او داد و گفت این نامه امام

صادق(ع) است . نجاشی نامه را گرفته و بوسید و روی دیده گذاشت و گفت حاجت چیست. گفت در دفتر شما خراجی بر گردن

من است نجاشی گفت چه مقدار ؟ گفت: ده هزار درهم . نجاشی دفتر دارش را خواست و دستور داد از حساب خود او پردازد و

سال آینده نیز همان مقدار برای سال آینده بنویسد

پس گفت: آیا تو را شاد کردم گفت آری قربانت پس است و کنیز و نوکری به او داد و همچنین یکدست لباس پس گفت فرش این

اطاق که روی آن نشیه تودند را نیز به او دادند . مرد فرش و هدایا را برداشته و به خدمت امام ششم مشرف شد و جریان را

گفت حضرت از دفتار نجاشی مسرور شد آن مر گفت مثل اینکه برخورد نجاشی شما را خوشحال کرد فرمود: آری بخدا خدا و

پیامبرش را هم شاد کرد

حکایت:

آورده اند که علامه سید محمد باقر شفتی بنیان گذار مسجد سید اصفهان در زمان تحصیل در نجف بسیار فقیر

بود. روزی مقداری پول بدستش آمده پس داخل بازار شد و با خود خیال کرد چیز یکه ارزانتر باشد گرفته تا خود و عیال سد

جوع بنمایند لذا از قصاب جگر بند گوسفندی گرفت و روانه خانه شد در راه به خرابه ای رسید و نگاه کرد دید که سگی گرگین

ضعیف و نحیف و لاغر خوابیده و بچه های او در دور او جمع و در نهایت ضعف و در پستان مادر شیر نمانده پس حجه الاسلام

را بر آن حالت رحم آمد و گرسنگی آنها را بر گرسنگی خود و عیال مقدم داشته و آن جگر بند را در نزد آنها انداخته به یک باره

آن حیوانات هجوم آوردند و آن جگر را خوردند پس از خوردن آن سگ گرگین روی به آسمان کرده گویا دعا می کرد پس بی

فاصله دولت و دنیا به او اقبال نمود و بطوری شد که هفت پسر داشت پس هر کدام اندرونی و بیرونی مستقل داشته و مخارج

ایشان جدا بوده و در اصطبل فرزند بزرگش 17 اسب خوب بسته بود و عیالات او به غیر از پسرانش صد نفر در شماره آمده

بود از خادمان و کنیزان و زنان و در اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا از مال خود داشته و این شاید نتیجه محبت به حیوانی باشد تا چه رسد به کمک به مؤمنین و مؤمنات

... بر درب دوم بهشت نوشته است

بر درب دوم بهشت نوشته است: لا اله محمد رسول الله وعلى ولي الله. ان لكل شيء حيلة وحيلة
السرور يوم القيامة اربع خصال. مسح رؤوس اليتامى والتعطف على الارملة والسعي في حوائج المؤمنين
والنفقة للفقراء والمساكين. برای هر کاری چاره ای است و چاره خوشحالی روز قیامت چهار خصلت
است. کشیدن دست مهربانی بر یتیمان. مهربانی بر بیوه زنان. تلاش در رفع گرفتاری
مؤمنان. چهارم دست گیری از بیچارگان
... بر درب دوم جهنم نوشته است.

بر درب دوم نوشته شده: هر که می خواهد در قیامت عریان محشور نشود، در دنیا بدنهای بی لباس را .
لباس بپوشاند و هر که می خواهد در آخرت تشنه نباشد، تشنگان دنیا را سیراب نماید و هر که می خواهد
در قیامت گرسنه نباشد، گرسنگان دنیا را سیر کند...

انفاق گناهان بزرگ را نابود می کند

امام پنجم: عابدی هشتاد سال عبادت کرد ولی بر اثر تماس با نامحرم زنا کرد. موقع مرگ زبانش لال
شد در همان حال فقیری نزد او آمد و عابد به او نانی داد. بعد از مردن به او گفتند بخاطر زنا همه
اعمال باطل گردید ولی بخاطر صدقه خدا تو را عفو نمود

لطف الهی شامل فرزندان ایه الله کوهستانی شد

دو تا نان دادی دو تا بچه گرفتی

روزی دو تن از فرزندان خردسال مرحوم آقا جان آیت الله کوهستانی (ره) به حمام رفته بودند، چون [?] هوا سرد بود مادرشان برای گرم کردن فضای سرد حمام مقداری زغال آتش کرد.

منقل را داخل حمام برد و خود برای رسیدگی به کارهای منزل آنان را تنها گذاشت. چون زغال ها [?] کاملاً آتش نگرفته بود گاز زغال هر دوی آنان را بی هوش کرد؛ به طوری که صدای آنان در اثر خفگی در سینه حبس شده بود و نمی توانستند از کسی کمک بخواهند.

در این حال که آیت الله کوهستانی (ره) به طور اتفاقی نزدیک حمام رفته بود متوجه گردید که [?] صدای ضعیفی از داخل حمام می آید بی درنگ در حمام را باز کرد دید که هر دو فرزندش بی حال داخل حمام افتاده اند

فورا هر دو را بیرون آوردند و مقداری آب به صورتشان پاشیدند تا این که به هوش آمدند و از [?] مرگ حتمی نجات پیدا کردند.

معظم له نجات یافتن دو فرزندش را بدون حکمت نمی یافت، از این رو در جست و جوی حکمت [?] آن برآمد و از مادرشان پرسید: شما امروز چه کاری انجام داده اید؟ مادر گفت

کار ویژه ای نکرده ایم جز این که اول صبح دو تن از طلبه ها برای نان مراجعه کرده بودند که به [?] هر کدام، یک قرص نام دادم. آقا متوجه جریان گردید و فرمود: دو تا نان دادی و دو تا بچه گرفتی

لطف الهی در قیامت شامل اهل خیر میشود

!جسم نورانی

رسول خدا(ص): هنگامیکه مؤمن از قبر محشور می شود، هیكلی شبیه خودش، جلو او قدم می گذارد و هر کجا مؤمن دچار ترس و هراس های قیامت می شود، آن هیكل به او دلداری می دهد و می گوید: نترس

و ناراحت نباش! و بشارت باد بر تو به خوشحالی و کرامت خدا! تا اینکه مؤمن حساب آسانی پس می دهد و امر به رفتن به بهشت می شود و در تمام این مراحل او با این شخص است. وقتی مؤمن می خواهد داخل بهشت شود، به آن هیكل می گوید: تو خوب شخصی هستی که همراهم از قبر خارج شدی و به من بشارت دادی تا اینکه براحتی به بهشت رسیدم. تو کیستی؟ می گوید: من همان شادی هستم که در دنیا، در دل برادر مؤمن وارد نمودی! خدا مرا خلق کرد تا بتو آرامش و بشارت بدهم.

شعله ای مانند کوه

رسول خدا(ص): بنده ای در قیامت، ایستاده است. ناگاه شعله ای از آتش جهنم که از همه کوهها بزرگتر است، بسوی او شعله می کشد! او متحیر می شود که چه کند! در این موقع گرده نانی و یا دانه ای که در دنیا در مهمانی به مؤمنی داده است، در هوا پیدا می شود و به اندازه کوهی شده و مانع از رسیدن آتش به او می شود.

کمک عجیب انصار با مهاجران

بر اساس تعالیم قرآن و رهنمودها و ارشادهای پیامبر(ص) مواساتی که انصار با مهاجرین کردند، برای همیشه، الگویی برای تمام مسلمانان شد، مسلمانانی که برای پیوستن به رسول خدا(ص) خانه و کاشانه و تمام دارایی خود را ترک، و گروه گروه به مدینه هجرت کرده بودند چون مسکن و مأوایی نداشتند و انصار آنان را در خانه‌های پناه داده و با ایشان مواسات می کردند، آنان را در خانه و کاشانه و مال و دارایی خود شریک کردند.

خانه‌هایی زیادی بودند که مهاجران در آن به صورت مشترک زندگی می کردند که در اینجا فقط به دو نمونه اشاره می شود.

منزل سعد بن خيثمه أخی بنی النجار، این خانه به «بیت العزاب» معروف شده بود؛ زیرا افراد مجرد از مهاجرین در آنجا زندگی می کردند.

منزل بنی جَحْجَبی که در اختیار منذر بن محمد بن عقبه، بود. زبیر بن عوام، با همسرش أسماء بنت اُبی بکر، و اُبو سبره بن اُبی وهب با همسرش اُم کلثوم بنت سهیل، در این خانه زندگی می کردند

از دیگر نمونه‌های مهم ایثار، فداکاری و مواسات انصار، داستان «سعد بن ربیع» انصاری است. وقتی پیامبر(ص) بین او و «عبدالرحمن بن عوف» که از مهاجرین مکه بود پیمان برادری بست، بعد از مراسم اخوت، سعد خطاب به عبدالرحمن گفت: «برادر! من ثروت مندترین فرد انصار هستم آماده‌ام مال خود را با تو نصف نمایم و دو همسر دارم که حاضرم هر کدام را که تو بپسندی طلاق دهم، تا پس از پایان عده طلاق، او را به همسری خویش انتخاب نمایی!». عبدالرحمن در حق او دعا نمود و گفت: «خداوند به مال و خاندانت برکت دهد، مرا بدانها نیازی نیست، تو فقط راه کسب و کار در بازار را به» [من یاد بده، تا از طریق کسب و کار برای خود روزی فراهم کنم

آنان چون محصول خرماي خود را برداشت می کردند، آن را به دو بخش تقسیم کرده و نصف بیشتر آن را به برادران مهاجر خود می دادند و از این کار جز رضای خدا و بهشت او به چیز دیگری چشم نداشتند.

در اینجا ۱۰۰ راه ساده را به شما معرفی می کنیم که می توانید با انجام آنها به فقرا و نیازمندان کمک کنید:

هفته ای یک بار با یک وعده ی غذایی از یک خانواده یا فرد نیازمند حمایت کنید یا هزینه آن را کمک کنید.

در تامین هزینه مدرسه کودکان نیازمند شرکت کنید و از آنها حمایت مالی کنید

لباس های جدید یا استفاده شده خود را که دیگر نمی پوشید را با نیازمندان به اشتراک بگذارید، مانند پوشش دیوار مهربانی

به نیازمندان کمک کنید تا هزینه های پزشکی و مراقبت های پزشکی خود را پرداخت کنند

به آنها خدمات دندان پزشکی رایگان دهید

از واکسیناسیون کودکان فقر حمایت مالی کنید

از معاینات سلامتی نیازمندان حمایت کنید

خدمات ارایشی رایگان به فقرا بدهید. مانند کوتاه کردن مو

وسایل شخصی مورد نیاز آنها را رایگان تامین کنید

برای استخدام بیکاران موقعیت شغلی ایجاد کنید و به آنها فرصت های کاری مناسب بدهید

می‌توانید با تامین مصالح ساختمانی به ساختن خانه برای نیازمندان کمک کنید

برای نقاشی خانه نیازمندان داوطلب شوید

مبلمان قدیمی خود را اهدا کنید

تلفن‌های قدیمی و وسایل الکترونیکی که دیگر استفاده نمی‌کنید را اهدا کنید

کتاب‌های را که قبلاً خوانده‌اید به فقیران و به‌خصوص دانش‌آموزان نیازمند اهدا کنید

برای کودکان فقیر و بی‌سرپرست اسباب‌بازی بخرید. به نیازمندان و کارتن‌خواب‌ها کمک کنید تا یک خواب راحت را تجربه کنند با اهدای یک بالش نرم، پتو تشک و دیگر وسایل خواب

با اهدای وسیل روشنایی خانه نیازمندان را روشن کنید

در ساخت یک مرکز ورزشی (زمین بسکتبال یا سالن ورزشی) مشارکت و کمک کنید

در انتخابات به کسانی رای دهید که به راستی و نه دروغ، برنامه برای فقرزدایی دارند

به افراد فقیر آگاهی انتخاباتی برای رای دادن به کسی که نیاز آن‌ها را تامین می‌کند بدهید

به مجازات و زندانی کردن سیاست‌مداران فاسد که باعث فقیر شدن مردم می‌شود کمک کنید

به موسسات خیریه مورد اعتماد و فعال کمک کنید. صدقه آنلاین

از پرورشگاه‌ها بازدید کنید

کودکان بی‌سرپرست را به فرزندپذیری قبول کنید یا حامی یک کودک باشید

به خانه سالمندان بروید و برای آن‌ها لباس، میوه و چیزهایی که نیاز دارند، ببرید

به زندانیان فقیر کمک کنید و برای آنها وسایل مورد نیازشان را خریدار کنید

به جای چانه زدن با کسب و کارهای کوچک و نیازمند با مبلغ بیشتری از محصول آنها حمایت کنید

از طریق فعالیت‌هایی مانند کنسرت و اجراهای سرگرم کننده، برای قربانیان فاجعه مانند سیل زدگان حمایت مالی جمع کنید

از طریق رسانه‌های اجتماعی، وبلاگ نویسی، تبلیغات و سایر تبلیغات آنلاین، حامیانی را برای افراد نیازمند پیدا کنید

از شرکت‌هایی محصولاتتان را خریداری کنید که در فقرزدایی و کمک به نیازمندان فعالیت می‌کنند
کمک به نیازمندان

از مشاغل محلی خود پشتیبانی کنید. آنها خدمات محلی ارائه می‌دهند پس ملزم به پرداخت 31.
مالیات هستند که برای کمک فقرا از طرف دولت مفید است

برخی از محصولات تجاری خود را به صورت رایگان به فقرا ببخشید. 32.

خدمات تخصصی خود را به صورت رایگان به کسانی که قادر به پرداخت هزینه آن نیستند، ارائه 33.
دهید

به نیازمندان رایگان آموزش دهید تا با کسب مهارت بتوانند معیشت خود را بهبود بخشند. 34.

35. برای ایجاد تعاونی‌ها به جامعه کمک کنید.

36. به افراد نیازمندی که توانایی دارند، کمک کنید تا به مصاحبه‌های شغلی بروند. مانند تهیه رزومه و لباس برای آنها.

37. بذر و کود برای کشاورزان نیازمند تهیه کنید.

38. به ماهیگیران تورهای جدید ماهیگیری و سایر تجهیزات ماهیگیری اهدا کنید.

39. به روستاییان نیازمند کمک کنید تا از منابع طبیعی و گردشگری خود محافظت کنند تا منبع درآمدشان از بین نرود.

40. به نیازمندان در برنامه‌ریزی مالی و حقوقی‌شان کمک کنید.

41. به نیازمندان مشاوره خانوادگی رایگان بدهید.

42. آنها را با ارزش‌های خود و خانواده‌شان آگاه کنید.

آنها را از حقوق و امتیازات خود بعنوان یه شهروند آگاه کنید تا مورد ظلم افراد صاحب قدرت .43
قرار نگیرند

با حمایت سایر شهروندان و سازمان‌های محلی بیمارانی که قادر به بستری شدن در بیمارستان .44
نیستند را به بیمارستان‌ها و اورژانس‌ها معرفی کنید تا آنها را پذیرش کنند

به فقرا و نیازمندان وام بدون بهره بدهید.45

به آنها کمک کنید تا بدهی‌های خود را پرداخت کنند.46

روز تولد یا سایر مناسبت‌های خاص خود را در یک پرورشگاه یا با یک مرکز مختص نیازمندان .47
جشن بگیرید

برای افراد مشهور و نیازمند جشن تولد بگیرید.48

برای نیازمندان خالصانه دعا کنید و هم‌زمان اقدامات نیکوکاری را نیز دنبال کنید.49

...به ساخت عبادتگاه برای افاد نیازمند کمک کنید. کلیسا مسجد و.50

51. به ساخت آموزشگاه‌ها و مدارس برای نیازمندان کمک کنید.

52. در تامین تجهیزات مدارس مشارکت کنید.

53. آموزش‌های توانمندسازی به نیازمندان را شروع کنید.

54. صرفه‌جویی کردن در منابع به کاهش فقر جامعه می‌تواند کمک کند.

55. با آموزش صحیح به فقرا کمک کنید تا محیط خود را تمیز کنند.

56. به کاشت درختان و فضای سبز برای نیازمندان کمک کنید.

57. در مورد جوامع حاشیه نشین تحقیق کنید و با انجام مصاحبه و داده‌های مهم را جمع آوری کنید. گزارش خود را خلاصه کنید و آن‌ها را با دولت و عموم مردم به اشتراک بگذارید تا آگاهی و نگرانی درباره فقر در کشور افزایش یابد.

58. صحیح بهداشتی و شخصی، به جامعه فقیر در مبارزه با بیماری‌ها کمک کنید.

صدای مداوم فقرا باشید. اگر یک وبلاگ نویس یا یک تأثیرگذار در رسانه‌های اجتماعی هستید، 59.
صدای آن‌ها باشید.

از افراد طبقه پایین کمک، ایده و مشاوره بخواهید تا احساس کنند که آن‌ها نیز در جامعه 60.
نقش‌هایی را دارا هستند.

: در باب صدقه امام باقر (ع) می‌فرمایند

صدقه 70 بلا از بلاهای دنیا را به همراه مرگ بد را از انسان دفع می‌کند و صدقه دهنده هرگز با
. مرگ بد نمی‌میرد علاوه بر اجر اخروی که برای او ذخیره می‌شود

پرداخت صدقه آنلاین

برای نیازمندان برنامه‌های سرگرمی مانند تماشای فیلم برگزار کنید. 61.

اگر هنرمند هستید برای نیازمندان هنر خود را اجرا کنید تا آنها هم بتوانند مشاهده کنند و لذت .62
ببرند.

آیا دوربین خوبی دارید؟ عکسبرداری رایگان را به یک خانواده نیازمندان پیشنهاد دهید تا بتوانند .63
تصویر خانوادگی داشته باشند.

با تهیه وسایل نقلیه و به آنها در یافتن پناهگاه یا جابجایی وسایل کمک کنید.64

در هنگام یا بعد از فاجعه به نیازمندان و فقرا کالاهای امدادی، کمک‌های پزشکی و پناهگاه‌های .65
موقتی بدهید.

به کسانی که عزیزان خود را از دست داده اند، از طریق کمک‌های مالی، عاطفی و جسمی .66
کمک و آسایش دهید.

خود را به فقرا اهدا کنید VIP صندلی‌های.67

خون اهدا کنید.68

69. به فقرا کمک کنید تا با عزیزانشان تماس بگیرند.

70. به آنها کمک کنید تا با عزیزانشان دیدار و پیوند دوباره برقرار کنند.

71. پول توجیبی و وعده‌های غذایی را با یک همکلاسی فقیر در مدرسه تقسیم کنید.

72. به همکارانتان کمک کنید تا یک شغل پاره‌وقت پیدا کند.

73. به کارمندان نیازمند خود حقوق بیشتری بدهید.

74. به جای وام دادن، در مواقع حساس به دوستان نیازمند و فقیر خود کمک کنید.

75. به دانشجویان فقیر کمک کنید تا تحصیلات خود را تمام کنند تا وارد بازار کار شوند.

76. همراه با سایر مدافعان و قانون‌گذاران در کشور برای ایجاد قوانین مؤثر در کاهش فقر مشارکت کنید.

77. افراد بیشتری را به کارهای خیر و نیکوکاری دعوت کنید.

78. داوطلب باشید و به انجمن هایی بپیوندید که به فقرا کمک کنند.

79. به شهروندان حاشیه نشین کمک کنید و از آنها برای منافع خود استفاده نکنید.

80. وقتی به چیزی دست یافتند تبریک بگویید و خوشحال باشید. آنها را به سمت پایین هل ندهید.

81. از جوانان مستعد و نیازمند برای گذراندن دوره های مهارتی حمایت کنید.

82. اسپانسر ایده های آنان باشید.

83. اسپانسر مراکز بازتوانی و مهارتی باشید.

84. براساس توانایی خود در هر سازمانی کمک کنید تا کارفرمایان با نیازمندان ارتباط پیدا کنند.

85. به خانواده ها کمک کنید تا بتوانند فروشگاه های راه اندازی کنند و محصولاتشان را بفروشند.

86. به کسانی که می توانند در خارج از کشور کار کنند کمک کنید.

87. کامپیوتر و یا لبتاپ قدیمی خود را اهدا کنید.

88. یک سرویس رایگان پزشکی، دندانپزشکی و مشاوره‌ای را سازماندهی کنید.

89. به یک جوان نیازمند کمک کنید تا بورسیه تحصیلی بگیرد.

90. آموزش رایگان انگلیسی بدهید.

91. به افراد نیازمندی که ایده کسب و کاری دارند در راه‌اندازی کمک کنید.

92. به متقاضیان کار کمک کنید تا مدارک خود را جمع‌آوری کنند.

93. کتاب‌های قدیمی خود را به دانش‌آموزان فقیر یا کتابخانه‌های عمومی اهدا کنید.

94. به بیماران فقیر کمک کنید تا درمانگاه‌های رایگان و کم‌هزینه‌تری پیدا کنند.

95. اسپانسر تورهای گردشگری و سرگرمی برای نیازمندان شوید.

96. اگر پول ندارید، وقت بگذارید، به مکان آنها بروید و با فقرا صحبت کنید.

97. سخت کار کنید تا بتوانید به خودتان کمک کنید تا از پس فقر برآیید. هنگامی که شما مرفه باشید، می‌توانید کارهای بیشتری انجام داده و به فقرا کمک بیشتری کنید.

98. مستمری ماهیانه خیریه شغف.

99. به روش منحصر به فرد خود به آنها کمک کنید... 100. برای گرفتارهای عالم دعا کنید.

5- توسل به اهل بیت علیهم السلام را رها نکنیم

چون اهل بیت علیهم السلام نزد خدا محبوب هستند لذا اگر آنها به ما عنایتی کنند خداوند هم به ما لطف خواهد کرد.

- شیخ جعفر شوشتری با عنایت امام حسین علیه السلام تبدیل به یکی از سخنرانان بی نظیر گردید.
- پدر ایه الله واعظ طبسی با عنایت فاطمه معصومه سلام الله علیها به یکی از واعظ مشهور تبدیل گردید.
- اخوند ملاکاظم خراسانی با عنایت امام زمان علیه السلام به یکی از نوابغ علمی تبدیل گردید.
- ایه الله بحر العلوم با عنایت اهل بیت علیهم السلام ببه دریای علوم تبدیل گردید.
- ایه الله مرعشی نجفی با عنایت امام حسین علیه السلام به درجات بالای علمی و معنوی رسید.
- ایه الله سید محمد رضا گلپایگانی با عنایت امام حسین علیه السلام به درجات بالای علمی و معنوی رسید.
- ایه الله سید علی قاضی با عنایت امام حسین علیه السلام به درجات بالای علمی و معنوی و عرفانی رسید.
- مقدس اردبیلی عنایت امام علی علیه السلام به درجات بالای علمی و معنوی رسید.

شیخ انصاری با عنایت امام زمان علیه السلام به درجات بالای علمی و معنوی رسید.

و هزاران نفر دیگر از علما و از مومنین که با توسل به اهل بیت علیهم السلام مورد لطف الهی قرار گرفتند و می گیرند.